

جستاری در باب کتاب زنان در جهان و ایران^۱

کیهان صفری*

هرکجا هیچ دلیل باورکردنی زیستی برای نشان دادن تفاوت سلامت زنان و مردان وجود ندارد، تبعیض اجتماعی باید در جایگاه مظنون اصلی قرار گیرد.

(Sent et al. 2002)

جونى سيگر، از شخصیت‌های شناخته‌شده بین‌المللی و مشاور سازمان ملل در امور زنان، با ابتکار خود در *اطلس زنان در جهان* به ارائه وضعیت زنان در جهان به‌شکلی فشرده، در قالب نقشه‌های متعدد و اطلس‌وار پرداخته‌است. این کتاب به زبان‌های فرانسوی، آلمانی، اسپانیایی، ژاپنی، سوئدی و... ترجمه شد و شخصیت برجسته‌ای مانند گلوریا استابلم، از رهبران اصلی موج دوم فمینیسم در آمریکا، در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی و پایه‌گذار مجله *زنان* به تمجید از این اثر پرداخت. در ادامه، به‌همت سعید مدنی قهفرخی، جامعه‌شناس و پژوهشگر برجسته ایرانی در امور زنان و آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران، بخش دوم کتاب با عنوان *وضعیت زنان در ایران* منتشر شد.

«توجه به جایگاه و منزلت زن در جهان، طی دهه‌های اخیر، انگیزه‌ای برای مطالعه و بررسی شیوه‌های ارتقای جایگاه متناسب زنان شده‌است.»^۲ «مسائل زنان در جهان و به‌ویژه در ایران همواره موضوعی مناقشه‌برانگیز و پرتنش بوده‌است. به‌ویژه زمانی که مسائل زنان بدون توجه به ویژگی‌های بومی جامعه ایران و تنها به تقلید و تبعیت از روندها و رویکردها در جوامع دیگر به خصوص جامعه غربی مورد توجه قرار گیرد، می‌تواند مجموعه‌ای از سوءتفاهم‌ها و خطاها را به دنبال داشته باشد.»^۳ کتابی که قصد دارم در اینجا معرفی کنم، به وضعیت زنان در جهان و ایران پرداخته‌است. مهم‌ترین درون‌مایه کتاب، همان‌طور که جونى سيگر در پیش‌گفتار اول به آن اشاره کرده، این است که: «گرچه تا امروز پیشرفت‌های قابل‌ملاحظه‌ای در وضعیت زنان در جهان روی داده‌است و بیشتر دولت‌های جهان معاهدات مربوط به حقوق زنان را امضا کرده‌اند، اما، به‌طور کلی، این پیشرفت‌ها و تلاش‌های صورت‌گرفته برای بهبود وضعیت و احقاق حقوق زنان قابل‌تعمیم به تمام نقاط جهان نیست و تفاوت‌های زیادی میان زنان کشورها و مناطق مختلف جهان وجود دارد. این زنان هستند که کماکان هزینه وضعیت‌های بد اقتصادی، اجتماعی... را در سراسر جهان می‌پردازند» و با مسائل و تنش‌های زیادی در زندگی خود مواجه‌اند، موضوعی که مؤلفان این اثر تلاش کرده‌اند در قالب یک اطلس و به‌صورت نقشه و نمودار به‌نمایش درآورند تا شباهت‌ها و تفاوت‌ها، و پیوستگی‌ها و تضادهای میان زنان سراسر جهان به‌بهترین‌وجه نشان داده شود.

¹ Seager Joni (2009) *The Penguin Atlas of Women in the World: Women- Social Condition- Statistics*, England: Penguin Press.

این کتاب شامل دو قسمت است، بخش زنان در جهان توسط جونى سيگر به زبان انگلیسی نگاشته شده و مهدی خدایی ترجمه آن را به‌عهده داشته‌است. بخش دوم کتاب با عنوان *زنان در ایران* به‌قلم سعید مدنی قهفرخی نوشته شده‌است. کتاب در سال ۱۳۹۵ به همت انتشارات روزنه منتشر شده است.

* کارشناس‌ارشد جامعه‌شناسی

^۲ مکنون، ثریا (۱۳۸۹) «نقد و تحلیل روند تحقیقات و تألیف در موضوع زنان در ایران»، *پژوهش‌نامه زنان*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱ (۱): ۱۵۷-۱۸۳.

^۳ مدنی، سعید و سید مهدی خدایی (۱۳۹۵) *پیشگفتار دوم* بر کتاب.

معرفی کتاب

کتاب به دو قسمت تقسیم شده است: قسمت اول اثر که به قلم جونی سیگر نوشته شده است به وضعیت زنان در جهان پرداخته است و به هشت بخش تقسیم می‌شود. سیدمهدی خدایی این کتاب را به فارسی ترجمه کرده است. بیشتر حجم کتاب (بالغ بر ۱۳۰ صفحه از ۱۹۵ صفحه) به قسمت اول (زنان در جهان) اختصاص داده شده است. قسمت دوم کتاب، به قلم سعید مدنی قهفرخی، به وضعیت زنان در ایران پرداخته است شامل هفت بخش است. این اثر با دو پیش‌گفتار آغاز می‌شود که اولی نوشته نویسنده قسمت اول کتاب (جون سیگر) است و پیش‌گفتار دوم به قلم سعید مدنی، نویسنده بخش زنان در ایران، و سید مهدی خدایی مترجم بخش انگلیسی اثر، نگاشته شده است. در اینجا می‌کوشیم فشرده‌ای از مطالب کتاب را بررسی کنیم:

قسمت اول: زنان در جهان

بخش اول کتاب با عنوان «زنان در جهان امروز» آغاز می‌شود که در آن به سه مسئله (دولت‌ها علیه تبعیض، وضعیت زنان، سرجای خود نشانیدن) پرداخته شده است.

نویسنده در این بخش به این پرداخته است که اکثر دولت‌های جهان روی کاغذ به رعایت برابری کامل زنان متعهد شده‌اند. کنوانسیون محو تبعیض علیه زنان، به‌منزله معاهده ملل متحد، در سال ۱۹۷۹ تصویب و در ۱۹۸۱ اجرایی شد. این معاهده مجموعه‌ای از استانداردها و اصول جهانی را پایه‌ریزی می‌کند که قرار است همچون الگویی برای شکل‌دادن به سیاست‌های ملی در جهت اهداف بلندمدت محو تبعیض جنسیتی به‌کار گرفته شوند و دولت‌هایی که این کنوانسیون را تصویب کرده‌اند، موظف به توسعه و اجرای سیاست‌ها و قوانینی در جهت رفع تبعیض علیه زنان در کشور خود هستند. دولت‌های بسیاری این معاهده را امضا کرده‌اند، اما در جهت اجرایی کردن آن تلاشی صورت ندادند. با وجود این، این معاهده مجموعه‌ای از انتظارات حداقلی را به وجود آورد که گروه‌های زنان می‌توانند با استفاده از آن، از دولت‌ها حساب‌کشی کنند. ۱۸۵ کشور عضو این معاهده روی نقشه به‌تصویر کشیده شده‌اند. همچنین، در میان کشورهایی که این کنوانسیون را تا سال ۲۰۰۸ تصویب و امضا کرده، یا بدون تصویب امضا کرده‌اند، یا نه امضا و نه تصویب کرده‌اند، نام ایران نیز دیده می‌شود.

¹ Convention on the Elimination of all forms of Discrimination against Women (CEDAW)

² آمریکا تنها کشوری است که این برنامه را بدون تصویب به امضا رسانده و بدین معنی است که عملکرد این کشور در چارچوب معاهده محدود نمی‌شود و به آن تقید ندارد.

در ادامه، به وضعیت زنان به صورت کلی پرداخته شده که در آن شاخص توسعه انسانی به مثابه چشم اندازی به سوی میزان دستاورد کشورها، در سه بعد توسعه انسانی (سواد، امید به زندگی و درآمد) هدف ارزیابی قرار گرفته است.

بخش دوم کتاب، با عنوان «خانواده‌ها» به مسائلی مانند: خانوارها، ازدواج و طلاق، خشونت خانگی، و قتل می‌پردازد. این مبحث به تغییر ماهیت خانواده‌ها مربوط می‌شود که به نظر می‌رسد هر دو در حال کوچک‌تر شدن هستند. نویسندگان به زنانی اشاره می‌کند که سرپرستی خانواده را برعهده دارند. در حال حاضر، در نتیجه ازدواج نکردن زنان بزرگسال و انتخاب زندگی انفرادی، تعداد خانوارهای تک‌نفره به شکل شگفت‌انگیزی در حال رشد است. نویسندگان بیان می‌کند که در سراسر جهان زنان نسبت به مردان در سن پایین‌تری ازدواج می‌کنند، اما در بعضی از کشورها این فاصله سنی زیاد است. اعتقاد به اینکه زنان متأهل متعلق به همسرانشان هستند، در بسیاری از کشورها بر روابط جنسیتی تسلط دارد و اغلب نیز حمایت قانونی را جذب کرده است که پشتوانه‌ای ایدئولوژیک برای خشونت خانگی است. این خشونت‌ها در مواردی به قتل زنان منجر می‌شود.

بخش سوم این کتاب، با عنوان حقوق زادآوری به مسائلی همچون مادر بودن، جلوگیری از بارداری، سقط جنین، مرگ‌ومیر مادران، و اولویت فرزند پسر بر دختر پرداخته است. در این بخش، به این موضوع توجه شده که امروزه زنان نسبت به گذشتگان خود فرزندان کمتری دارند و این می‌تواند ناشی از افزایش دسترسی به خدمات بهداشتی و سیاست‌های مربوط به سقط جنین، سیاست‌های دولتی در زمینه بهداشت، اقتصاد و تأمین اجتماعی باشد. در ادامه، نشان داده شده که هنوز سطح وسائل جلوگیری از بارداری نابرابر است و زنان در کشورهای ثروتمند و نواحی شهری بهره‌مندی بیشتری دارند. از سوی دیگر، کشمکش‌های بسیاری در جهان درباره حق سقط جنین وجود دارد و این مسئله جدالی را در زمینه استقلال زنان در پی داشته است که زنان را ناگزیر می‌کند میان سقط جنین نایمن یا زایمان ناخواسته، یکی را، انتخاب کنند. با وجود این، نویسندگان اظهار کرده است که هنوز یک‌چهارم زنان در کشورهایی زندگی می‌کنند که قوانین شدیداً محدودکننده‌ای درباب سقط جنین دارند. این سیاست‌ها و قوانین در بسیاری از نقاط جهان مرگ مادران را در پی داشته است. مسئله دیگر، اولویت فرزند پسر است که تقریباً در تمام فرهنگ‌های جهان وجود دارد و این بی‌توجهی به فرزند دختر را در بسیاری از کشورها در پی داشته است.

بخش چهارم کتاب به سیاست بدن مربوط است. در این بخش، به مسائلی همچون سرطان سینه، اچ آی وی/ایدز، ورزش، زیبایی، زیر تیغ، قاچاق جهانی سکس، و تجاوز پرداخته است. نویسندگان به بیماری‌هایی که زنان در تمام جهان با آن درگیرند و از آن رنج می‌برند اشاره کرده

که تحت تأثیر عوامل و سیاست‌ها و بسیاری از مسائل دیگر هستند. از سرطان سینه، که شایع‌ترین سرطان در میان زنان سراسر جهان به حساب می‌آید، تا ایدز که موقعیت اجتماعی و جنسیتی زنان نقشی تعیین‌کننده در ابتلای آنان به این بیماری دارد. از جمله مسائل دیگری که در این بخش به آن توجه شده‌است ورزش و میزان مشارکت زنان در مسابقات المپیک و شکاف جنسیتی است که همچنان در عرصه توجه رسانه‌ای به ورزش مردان و کم‌توجهی به ورزش زنان ایجاد می‌شود. زیبایی و تن‌دادن به تیغ از جمله مسائلی است که امروزه زنان در بسیاری از نقاط جهان آن را تجربه می‌کنند.

همچنین، از قاچاق جهانی سکس و تجاوز نیز به‌منزله صنعتی با سود چندمیلیارد دلاری نام برده می‌شود که در آن بدن زنان کالا تلقی می‌شود و وضعیت آن در جهان در این بخش گنجانده شده‌است. بخش پنجم این اثر با عنوان کار به مسائلی همچون کار برای دستمزد، محل‌های کار، فرصت‌های نابرابر، کشاورزی، کار بدون مزد، و مهاجرت اختصاص دارد. نویسنده در این بخش به وضعیت زنان در محیط‌های کاری و نحوه مواجهه زنان با کار و فرصت‌های کاری توجه کرده‌است. در تمام جهان، تقریباً تعداد زنانی که برای کسب درآمد در خارج از خانه مشغول کار می‌شوند در حال افزایش است. اما مردان و زنان از لحاظ کاری که انجام می‌دهند و دستمزدی که دریافت می‌کنند بسیار تفاوت دارند. نویسنده نشان داده‌است که زنان در جهان، درمقایسه با مردان، از تفاوت‌های درآمدی، تبعیض آشکار جنسیتی و بسیاری از تبعیض‌های دیگر متضرر می‌شوند. شغل‌هایی که منبع درآمد زنان به‌شمار می‌آیند، بیشتر به بخش غیررسمی تعلق دارد، فرصت‌های شغلی آنان درمقایسه با مردان به‌طور متوسط پایین‌تر است. زنان از فرصت‌های نابرابر کاری در امان نیستند و همچنان در پردرآمدترین و معتبرترین مشاغل حضوری به‌شدت ناچیز دارند. بررسی زمان‌بندی‌های شغلی نیز نشان می‌دهد که زنان درمقایسه با مردان مدت بیشتری را در کار تولیدی غیررسمی، بدون مزد و خانه‌داری می‌گذرانند. نویسنده در ادامه نشان داده‌است که جهانی‌سازی اقتصاد چطور در حال شتاب‌دادن به جریان مهاجرت کارگران است که بخش بزرگی از آنان را زنان مهاجر تشکیل می‌دهند و آسیا بزرگ‌ترین مبدأ این کارگران مهاجر به‌حساب می‌آید. بخش ششم این اثر با عنوان «داشتن یا نداشتن» شامل مقولاتی همچون آب، سواد، مدرسه، تحصیلات عالی، زنان آنلاین، مالکیت، فقر، و بدهی است که زنان جهان با آنها مواجه‌اند. در این بخش، نویسنده دری می‌کشد که تا نشان دهد زنان با این مسائل و کمبودها روبه‌رو هستند که می‌تواند «داشته» یا «نداشته» به‌حساب آید و اینکه نداشتن و کمبود در این نیازها چه پیامدهایی در زندگی زنان داشته و خواهد داشت. برای مثال، درباره مسئله آب، که به آن توجه شده‌است، بیش از یک میلیارد نفر به منابع آب بهبودیافته دسترسی ندارند و بخش بزرگی از این جمعیت را زنان تشکیل می‌دهند. کمبود آب سالم زنان را بیش از مردان با مشکل مواجه می‌کند.

کتاب درباب زنانی که به اینترنت دسترسی دارند نشان داده‌است که اینترنت عاملی قدرتمند در تغییرات اجتماعی، خصوصاً در تغییرات و جنبش‌های اجتماعی زنان، است. ازسوی دیگر، ارتکاب سوءاستفاده‌های جنسی و درپی آن پورنوگرافی آنلاین و قاچاق زنان و کودکان نیز از طریق اینترنت انجام گرفته‌است. بخش هفتم این اثر، که عنوان آن «قدرت» است، به مسائلی مانند حق رأی، زنان در حکومت، کرسی‌های قدرت، مناطق بحران، زنان در ارتش، و جنبش‌های برابری زن و مرد توجه نشان داده‌است. مؤلف در این بخش به جایگاه زنان در مراکز قدرت کشورها می‌پردازد و تلاش می‌کند تا وضعیت زنان را در کانون‌های قدرت و حکومت‌ها نشان دهد و همچنین میزان تأثیر قدرت زنان و حقوقی را که زنان از آن برخوردارند تصویر کند. این حقوق، از حق رأی تا دست‌یابی به کرسی‌های قدرت را شامل می‌شود. نویسنده اظهار کرده که «تاکنون الگوهای اندکی در جهان دیده شده‌است که زنان بیش از ۲۵ درصد از کرسی‌های انتخاباتی مجلس قانون‌گذاری را در اختیار داشته باشند. اگرچه کرسی‌های قدرت در دست زنان در کمترین میزان ممکن است، در دست‌گرفتن این کرسی‌ها توسط زنان در حال افزایش است». در ادامه این بخش، به میزان حضور زنان در ارتش و بایدونبایدهای حضور زنان در ارتش اشاره شده‌است که کماکان بر سر حضور زنان جنجال وجود دارد. این مسائل معمولاً با جنبش‌های زنان در سراسر جهان پاسخ داده شده‌است، جنبش‌هایی که در بسیاری از نقاط جهان تأثیرگذار و در جهت توانمندسازی زنان بوده‌است. بخش هشتم این اثر به آمار جهانی پیرامون جمعیت‌نگاری و بهداشت، مدرسه، کار و قدرت اختصاص دارد که در قالب جدول‌هایی آورده شده‌است و آمارهای مربوط به زنان را نشان می‌دهد.

قسمت دوم: زنان در ایران

قسمت دوم کتاب با عنوان: *زنان در ایران* به‌قلم سعید مدنی به مسائل زنان در ایران، به‌همین ترتیبی که در قسمت اول این اثر آمد، می‌پردازد. این قسمت از کتاب هفت‌بخش دارد که نویسنده در آن به مسائلی پرداخته‌است که زنان در ایران با آنها مواجهند. قسمت *زنان در جهان* به‌صورت اطلس‌وار به این مسائل در قالب نقشه و جدول پرداخته‌است. نویسنده به‌صورت توصیفی و با اتکا به تحقیقاتی که پیرامون مسائل زنان در ایران به‌قلم خود او یا دیگر پژوهشگران انجام شده‌است این قسمت را به رشته تحریر درآورده‌است. خواننده در این قسمت با نقشه‌ها و اعداد و ارقام و جدول‌های مربوط به مسائل زنان، مشابه با آنچه که در قسمت اول دیده می‌شود، مواجه نمی‌شود. اگرچه در ارائه مباحث و مسائل پیش‌روی زنان با قسمت اول اثر کاملاً هم‌پوشانی و مطابقت دارد. همان‌طور که نویسنده قسمت *زنان در ایران* در پیش‌گفتار دوم بر کتاب بیان کرده‌است: «ارائه شاخص‌های وضعیت زنان در جهان وقتی با معادل همان شاخص‌ها در ایران همراه شود درک جامع‌تری از وضعیت زنان در ایران و جهان به‌دست می‌دهد». کاری که نویسنده قسمت دوم سعی کرده‌است از خلال قسمت اول اثر بدان بپردازد.

ارزیابی محتوای اثر

نویسندگان این اثر کوشیده‌اند نگاهی نقادانه به وضعیت زنان در جهان و ایران به صورت اجمالی بیفکنند. اگرچه نویسنده بخش زنان در جهان با ابتکار و خلاقیت خود در ارائه نقشه‌هایی متعدد تصویری کلی از وضعیت زنان در جهان ارائه کرده‌است که در نوع خود کم‌نظیر است، همان‌طور که در پیش‌گفتار خود بیان کرده‌است: «کار در مقیاس جهانی، به شکل اجتناب‌ناپذیری با مقداری تعمیم همراه خواهد شد» که این اثر نیز تا حدودی نتایج و داده‌هایش را تعمیم داده است. برای جبران این مشکل، بهتر است که مسائل هر جامعه را در بافت همان جامعه تحلیل کرد، کاری که مدنی سعی کرده‌است، در قسمت دوم اثر، شناخت وضعیت جهانی زنان را با معادل همان شاخص‌ها در ایران همراه کند. اگرچه وضعیت زنان در نقاط مختلف ایران و در مواجهه با هر کدام از مسائل نیز متفاوت است. برای مثال، تفسیری که زنان از مردسالاری و ناموس در کردستان دارند می‌تواند با دیگر نقاط ایران متفاوت باشد، به طوری که «ناموس با هم‌دستی مردسالاری برساخته در کردستان، سیستمی از قدرت را شکل می‌دهند که در آن انواع خشونت چه در سطح نمادین و چه در سطح فیزیکی نمودار می‌شود و پارادایم ناموس باعث شده که زنان در تمام طول عمر خود تناقض‌هایی را حمل کنند»، تناقض‌هایی که ناشی از «نظام سلطه، نقش‌های جنسیتی دوگانه، زندگی زیرسایه خانواده، دین و سیاست، اقتصاد اموال سمبلیک و نظام‌های آبرو و شرف در قالب نوعی ابژکتیویسم بر زنان گرد سایه افکنده‌است»^۱ که در این اثر نیز کمتر بدانها پرداخته شده‌است. مسئله دوم در این کتاب تأکید بر داده‌های کمی و آماری است. اگرچه داده‌های آماری و نقشه‌ها و جدول‌های موجود بسیار خلاقانه و ابتکاری ارزشمند در ارائه وضعیت زنان در جهان محسوب می‌شود و نمی‌توان اهمیت آنها را نادیده گرفت، کمبود تحقیقات کیفی و انسان‌شناختی در هر دو قسمت (زنان در جهان و زنان در ایران) این اثر محسوس و مشهود است. مثلاً می‌توان پذیرفت که مقوله‌ای مانند مردسالاری و نابرابری جنسیتی در جامعه ایران بر زندگی زنان و وضعیت آنان در جامعه بسیار تأثیرگذار بوده‌است، ولی اینکه نابرابری جنسیتی و مردسالاری در زبان و بیان زنان چگونه بازنمایی یا در اذهان فردی و جمعی درک و تفسیر می‌شود و حتی درک و تفسیر اقوام گوناگون از این مسئله چگونه است، ممکن است با هم متفاوت باشد، موضوعی که در کتاب وضعیت اجتماعی زنان در ایران^۲ که به تازگی توسط جمعی

^۱ رستم‌پوری، سمیه (۲۰۱۴) ناموس و مردسالاری، http://mahastis.blogspot.co.id/2014/09/blog-post_26.html

^۲ همان

^۳ کتاب گزارش وضعیت اجتماعی زنان در ایران حاصل تحقیق و تفحص ۳۰ پژوهشگر برجسته در وجوه مختلف حیات فردی و اجتماعی زنان ایرانی طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۰ است. این اثر با پشتیبانی مؤسسه رشد، حمایت و اندیشه (رحمان) و مدیریت خانم دکتر فاطمه جواهری به انجام رسیده و توسط نشر نی چاپ و انتشار یافته‌است.

از نویسندگان منتشر شده است، تاحدودی مورد توجه قرار گرفته است، به طوری که وضعیت زنان را در دهه هشتاد با تلفیقی از اهداف توصیفی، تحلیلی و کاربردی به این شرح پوشش می‌دهد: شناسایی و تشریح ابعاد گوناگون وضعیت زنان ایرانی طی دهه ۱۳۸۰؛ مقایسه وضعیت زنان در سطح مناطق گوناگون کشور و همچنین وضعیت زنان ایرانی با زنان برخی کشورهای دیگر؛ تحلیل و تبیین زمینه‌ها و علل مرتبط با محدودیت‌ها و مشکلات زنان و طرح پیشنهادهایی کاربردی برای ارتقای شاخص‌های توسعه انسانی زنان و تحقق عدالت جنسیتی.

حتی این نکته نیز باید هدف مذاقه قرار می‌گرفت که ایران به‌منزله جامعه‌ای که دارای تکثر قومی، فرهنگی و تاحدودی مذهبی است، چگونه نابرابری‌های جنسیتی، قومی و مذهبی بر زیست جهان زنان در نقاط و اقوام مختلف در ایران تأثیر می‌گذارد و چگونه تولید و بازتولید می‌شود، چیزی که کمتر در این اثر بدان پرداخته شده است.

در مجموع، این اثر می‌تواند الگویی برای مطالعات بعدی در حوزه زنان در جهان و ایران به شمار آید. با توجه به اینکه کتاب (زنان در جهان) برای چهارمین بار است که تجدید چاپ می‌شود، با ارائه آمار و اطلاعات درست و اصولی کتابی ارزشمند برای خوانندگان ایرانی، پژوهشگران حوزه زنان و مطالعات زنان، جامعه‌شناسان و دانشجویان ایرانی، منبع مهمی برای پژوهش در حوزه زنان تلقی می‌شود. در هر حال، خواننده در این کتاب خود را با اندیشمندانی بزرگ مواجه می‌بیند و بنابراین، خواندن آن تجربه‌ای بسیار آموزنده و لذت‌بخش خواهد بود.